



۲۰۱۶/۰۵/۱۶

سیدهاشم سدید

تعبیر نادرست از یک سخن درست

تا جایی که دیده شده است، اغلب نویسندگان، صاحب نظران، فعالان جامعه مدنی، سخن گویان احزاب و سازمان های سیاسی و افراد عادی کشور، مانند سفیر افغانستان در لندن، سخنان آقای کامرون را که دو کشور افغانستان و نایجریا فاسد ترین کشورهای جهان هستند، به گونه شگفت آوری مورد اعتراض قرار داده اند و برخی از این هم قدمی فراتر گذاشته طالب آن شده اند که حکومت انگلستان باید از مردم افغانستان معذرت بخواهد.



دلیل آزدگی و خشم این هموطنان ما از آقای کامرون این است که گویا ایشان با اظهار چنین کلماتی تمام مردم افغانستان را غوی و فاسد خوانده به تمام مردم افغانستان بی احترامی و توهین کرده است.

این برداشت و تعبیر به کلی نادرست است، زیرا نه فقط کامرون که یک انسان تحصیل کرده و صاحب هوش است و یک عمر با زیرکی تمام با سیاست و دولتمداری سر و کار داشته است، که حتی کم هوش ترین انسان هم می داند که غیر از یک مشت انسان هائی که فعلاً در افغانستان در رأس قدرت سیاسی هستند و در رتق و فتق امور این کشور دست دارند و حل و عقد کارها - به نفع یا به ضرر کشور - در نتیجه مساعی یا عدم مساعی آن ها صورت می گیرد، متباقی نود و نه اعشاریه نود و هشت در صد مردم افغانستان در اداره امور کشور و در امر تصمیم گیری هیچ نقشی ندارند. میلیون ها دهقان و مالدار و باغبان، صد ها هزار راننده و کلینر و میخانیک، هزاران نانوا و آشپز و پیشخدمت و هوتلدار، هزاران خانه سامان و پیاده دفتر و پسته رسان، صد ها هزار کارگر و عمله و فعله، میلیون ها دکاندار و آسیاب بان و علاف و نداف و حمال و حمامی و آهنگر و خراط و نساج و خیاط و پینه دوز و دربان و سنگ کش و گلکار و نجار و بنا و رنگمال و خشت پز و ساعت ساز و بزاز و نلدوان و چوب فروش و فروشنده دوره گرد، میلیون ها شاگرد مدرسه و معلم و نقاش و هنرمند و صد ها هزار انسان دیگری که در سائر حرفه ها مصروف کار هستند، مانند صد ها هزار بیکار و بی روزگار، میلیون ها زنی که مشغول پیشبرد کار خانه و مصروف مراقبت از بچه های شان هستند و...، هیچ کدام، چون نقشی در خرج و دخل پول و تعیین بودجه و تخصیص و... ندارند، نمی توانند سبب حیف و میل پول و به وجود آمدن فساد گردند.

منطقی و منطبق به عقل سلیم همین است که انسانی که از عنصر سردمدی عقل و خرد بی نصیب نیست، به خوبی می داند که چنین انسان هایی نمی توانند - اگر در کشوری فساد وجود داشته باشد - سبب فساد در یک کشور گردند. بناءً وقتی گفته می شود: "افغانستان دومین یا سومین کشور فاسد جهان است و یا..."، بدون آن که زیاد روی این جمله فکر شود، فهمیده می شود که منظور گوینده های این سخنان اینست که تنها ساستمداران بر سر اقتدار این کشور، هم فاسد هستند، و هم وسیله ترویج فساد می باشند.

تصوری غیر از این، اصلاً تصویری است بسیار بی معنی، کوتاه بینانه و غیر عقلانی. آیا در حیف میل میلیارد ها دالری که طی پانزده - شانزده سال گذشته به افغانستان سرزیر شده است، کدام نانوا و حلاج، یا علاف و دهقان و نقره کار و پوستین دوز و رنگریز و شیربخ پز، کدام زنی که غیر از پختن و روختن و شوهرداری و مراقبت از اولاد هایش کار دیگری ندارد، یا میلیون ها بیکار و میلیون ها متعلم و سائر کسانی که دارای حرفه های مانند رنگریز و چکیده پز و... هستند، دستی داشته است؟

با چه استدلال و خرد و منطقی باید بپذیریم که آقای کامرون، یا کس دیگری، چنین یک واقعیتی را نمی تواند ببیند، و با بیان چنان مطالبی همه مردم افغانستان را فاسد خطاب کرده به هوش خود توهین می کند؟

■ اگر گفته شود که انگلستان یکی از اولین و یکی از بزرگترین کشورهای استعماری جهان بوده است، من بدون کدام سخنی آن را می پذیرم، چون این سخن عین حقیقت است!

■ اگر گفته شود که انگلستان در طول تاریخ چهار - پنجم سال اخیر خود در جنگ های استعماری خون صد ها هزار انسان بی گناه را ریخته است و مقداری زیادی از ثروت های کشورهای افریقائی و آسیائی و امریکائی لاتین را به غارت برده است، من با آن مخالفت نمی کنم، چون این حرف هم حقیقتی است غیر قابل انکار!

■ اگر گفته شود انگلیس ها با طالب زد و بند دارند، من حرفی ندارم، زیرا کار کرد چندین ساله انگلیس ها در هلمند نمایانگر آن است که این سخن نیز می تواند مقرون به واقعیت باشد.

■ اگر گفته شود که سیاست انگلیس ها در ارتباط با افغانستان و پاکستان سیاستی است دو پهلو و بیشتر به جانبداری از پاکستان، من این سخن را هم می پذیرم.

■ اگر گفته شود که انگلیس با شیوه های "هم به نعل و هم به میخ زدن" خویش در افغانستان می خواهد انتقام شکست های خردکننده، خجالت آور و فراموش ناشدنی خود را از ما بگیرد، من آن را نیز قبول می کنم.

■ اگر گفته شود که بخش بزرگی از ناآرامی های ما نتیجه تشبثات پیدا و پنهان انگلیس ها در افغانستان می باشد، من آن را هم رد نمی کنم. و خیلی از سخنان دیگر را می توانم در مورد انگلیس ها - در این جا نیز اشاره به سیاستمداران این کشور است - قبول کنم،

ولی قبول این ادعا که صدراعظم انگلیس همه مردم افغانستان را به خاطری فساد می که در دولت وجود دارد، فاسد می خواند، چون چنین چیزی نمی تواند با هیچ عقلی سازگار باشد، چون چنین چیزی اصلاً نه وجود دارد و نه ممکن است، و چون دولتی که در نتیجه تقلب به وجود آمده است، نمی تواند دولت منتخب مردم باشد، برای من دور از واقعیت می نماید! چنین تعبیری - که کامرون همه مردم افغانستان را فاسد خطاب کرده است - به کلی نادرست است. سخن او در اصل متوجه سیاستمداران فعلی کشور "نگون بخت" افغانستان است، و این سخن به هیچ وجه بیجا و نادرست نیست و کسی هم نمی تواند از آن دفاع کند!

من باب مثال: سخن ما نیز، وقتی از دشمنی پاکستان با افغانان و با افغانستان حرفی به میان می آید، هیچگاهی متوجه مردم عام پاکستان نیست. این عیب یا کمبود، نوعی از کلی گوئی ها، امروز تا حدودی زیادی در میان همه رواج پیدا کرده است که امیدوارم آهسته، آهسته از میان برود - به یکی از مقاله های اخیر استاد نگارگر در این زمینه رجوع شود. ولی وقتی مردم آن را می شنوند، می دانند که سخنی که گفته شده است، یا گفته می شود، با همه کم و کاستی که دارد، در اصل و اساس متوجه که ها می باشد!!

اکثریت مردم افغانستان، به استثنای کسانی که خود، دوستان، رفقاء، اقارب، خویشاوندان، همنشینان، همزمان یا پیروان شان به گونه ای آغشته به فسادند، می دانند که این دولت - قوه مقننه، قوه قضائیه و قوه اجرائیه - است که تا گلو در فساد و در لجنزار پر تعفن دوئی گری و تفرقه اندازی و آلوده ساختن آب، غرق است، مانند دولت پیشین، نه آن ها.

بنابراین نتیجه ای که از این مبحث باید گرفت اینست که:

سخن کامرون کاملاً درست، ولی تعبیری که از آن شده یا می شود، نادرست است!

این تعبیر نادرست البته تعبیری نیست که عموم مردم از گفته فوق کامرون دارند؛ بلکه تعبیری است از یک تعداد از نواله خواران یا شرکای دولت، که فریبکارانه سنگ دوستی مردم را به سینه می زنند و تظاهر به داشتن همدردی با مردم می کنند، اما در باطن، با بیشرمی بی انتها در فکر سود خود و سود اربابان شان هستند.

هدف این انسان ها تنها این است که اعتراضات و سر و صدای مردم و تبصره های منتقدین و معترضان علیه فساد در دولت فاسد را به سمت و ناحیه دیگری منحرف کنند و قضایا را معکوس و منقلب نشان داده جنبه عمومی بدهند؛ بی خبر از این که کوره سوزان جنگ ها و سیاست های ضد ملی و غیر مردمی تقریباً چهار دهه گذشته و سیه کاری های سیاستمداران تبهکار و قالتاق و فاسد و مخالف وحدت ملی این دوره و مداخلات آزمندانه خارجی ها در گذشته و حال چقدر مردم را هوشیار ساخته است! مردمی که متأسفانه تنها هوشیار شده اند، اما هنوز برای به دست گرفتن سرنوشت خود و نجات وطن خویش از راه وحدت ملی راستین، همدلی بی خدشه، تعاون بی ریا، همگرایی صادقانه و یافتن نمایندگان واقعاً ملی و مردمی و دلسوز به درستی به حرکت نیفتیده اند!!

پایان

